info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۱۲۵
سه‌شنبه / ۸ شهریور / ۱۴۰۱
۲ / صفر / ۱۴۴۴
30 / August / 2022

صاحب امتیاز: موسسه هنگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۸۲۸-۳۲۵۴۲۴۲۴-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۵۸/۲۴
چاپ: کارگر

امروز با حافظ

تا سرِ زلفِ تو در دست نسیم افتادست
دلِ سودازده از غصه دو نیم افتادست
چشمِ جادوی تو خود عین سَواد سحر است
لیکن این هست که این نسخه سَقیم افتادست

فرازهایی

به پای ساز تو از ذوق عرش کردم سیر
که روز وصل تو کم نیست از شب معراج

شهریار

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۰۹	۰۶:۳۷	۱۳:۰۶	۱۹:۳۵	۱۹:۵۳

برگه

زندگی پیدا کردن خودت نیست، زندگی ساختن خودت است.

جورج برنارد شاو

نکته

مافیا در کمین ۵۵ هزار تن زباله

وجود مافیای زباله توهم نیست چون به‌واقع وجود دارد و در عین بی‌نظمی، منظم کار می‌کند؛ مافیایی که آموخته چطور زودتر و بانگیزه‌تر از شهرداری‌های کشور بر سر سطل‌های زباله حاضر شود و چگونه با سرعت زباله‌ها را تفکیک کرده و چطور آنها را در سریع‌ترین زمان ممکن به پول نقد تبدیل کند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از جام جم، وقتی روزنامه لوفیگارو نوشت: «هر حالی که قاچاقچیان مواد مخدر با برجا گذاشتن اجساد و شلیک گلوله‌های کلاشینکف به تیتر اخبار می‌رسند، عدای جنایات سازمان‌یافته خود را در قاچاق زباله هدایت می‌کنند»، منظورش همان مافیای زباله بود که در کشور ما نیز نه به سبک و سیاق فرانسه اما پرقدرت کار می‌کند. تجارت زباله، کم‌خطر اما پردرآمد است و زیر سایه مدیریت‌های جزیره‌ای، مقطعی و حتی سلیقه‌ای سال‌هاست در کشور ما به حیاتش ادامه داده و دامنه نفوذش را به حدی رسانده که رئیس شورای شهر پنجم تهران همین پارسال می‌گفت: «مافیای زباله با استفاده از کودکان کار، کارتن‌خواب‌ها، مهاجران و کارگران محروم، مانع جدی اجرای طرح جامع مدیریت پسماند در تهران است.» وجود مافیای زباله توهم نیست چون به‌واقع وجود دارد و به گفته محمدعلی پورنیا- کارشناس مسائل شهری، در عین بی‌نظمی، منظم کار می‌کند؛ مافیایی که آموخته چطور زودتر و بانگیزه‌تر از شهرداری‌های کشور بر سر سطل‌های زباله حاضر شود و چگونه با سرعت زباله‌ها را تفکیک کرده و چطور آنها را در سریع‌ترین زمان ممکن به پول نقد تبدیل کند.

گردش‌های مالی عجیب و غریب

پای مافیا که وسط می‌آید عددهای درشت هم‌جولان می‌دهند مخصوصا در حوزه پسماند که ارقام تولید روزانه‌اش در ایران نیز درشت است- هر روز ۴۵ هزار تن زباله در مناطق شهری و ۱۰ هزار تن پسماند در مناطق روستایی تولید می‌شود (۵۵ هزار تن)؛ که این آمار متعلق به دفتر محیط زیست و خدمات شهری سازمان شهرداری‌هاست. در تهران نیز روزانه ۷۵۰۰ تن زباله تولید می‌شود که آخرین عدد اعلامی از زبان رئیس سازمان محیط زیست است؛ کسی که تازگی‌ها از دستگاه قضا خواسته تا به ماجرای مافیای زباله ولرد شود. یک کارشناس اقتصادی نیز با یک حساب سرانگشتی خسارتی را که بلاتکلیفی زباله‌ها در ایران فقط به حوزه محیط زیست وارد می‌کند برآورد کرده از این قرار که طبیعت هر سال حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان از این بابت لطمه می‌خورد؛ در حالی که ارزش صنعت بازیافت زباله در چین سالانه ۲۰ میلیارد تومان است- ما مردمی زباله‌ستیزیم که آمارها آیینه خیبی بر رفتارمان هستند در آمارهای رسمی متوسط سرانه تولید زباله برای هر شهرنشین ۷۶۰ گرم و در روستاها ۴۸۵ گرم اعلام شده که ۲۵ برابر بیشتر از متوسط جهانی است. در این میان در حالی که طبق بررسی‌های سازمان شهرداری‌ها، ۶۵ درصد از پسماندهای تولیدی «تر» و ۲۵ درصد آن «خشک» است و فقط ۱۰ درصد زباله‌ها از مبدا تفکیک می‌شوند که چولان زباله گردها در کوچه‌ها و خیابان‌ها و هجوم حریصانه آنها به سطل‌های زباله شهر را توجیه می‌کند؛ آدم‌هایی که گر چه بر سر سفره مافیای پسماند نشسته‌اند اما کمترین سهم را از این تجارت بزرگ و پرسود می‌برند.

چرا مافیای زباله از بین نمی‌رود؟

اگر بپذیریم که روزانه دست کم ۵۵ هزار تن زباله در ایران تولید می‌شود این عدد را نیز باید به خاطر بسپاریم که مجموع تولید سالانه زباله در ایران بیش از ۲۰ میلیون تن است. اگر از این میزان زباله تولیدی یک‌سوم آن خشک و حدود یک‌چهارم قابل پردازش باشد- یعنی سالانه حداقل پنج میلیون تن پسماند با ارزش در ایران تولید می‌شود که قاعدتا در آشفته‌بازار مدیریت پسماند در کشور سهم بزرگی از آن در اختیار مافیای زباله قرار می‌گیرد که محمدعلی پورنیا، کارشناس شهری، تاکید می‌کند که شک نکنید وقتی زباله، طلای کثیف خوانده می‌شود شبکه‌های سازمان‌یافته غیر قانونی که مافیا خوانده می‌شوند حتما برای رسیدن به آن تلاش مضاعفی می‌کنند. او معتقد است: زباله گردهای سطح شهر تهران قطعا تحت نظر این مافیا کار می‌کنند؛ چون به‌صورت موبرگی در همه کوچه‌ها، خیابان‌ها و محله‌ها به‌صورت شبانه‌روزی حاضرند و همه‌شان با تجهیزاتی واحد از جمله کیسه‌های بزرگ متحدالشکل کار می‌کنند. این کارشناس البته می‌گوید: اگر این زباله گردها فقط یک هفته کار نکنند شهرداری تهران برای جمع‌آوری پسماند و تفکیک آنها به مشکل برمی‌خورد؛ زیرا به لحاظ امکانات و زیرساخت‌ها مشکلاتی دارد. بنابراین مافیا هم به خودش سود می‌رساند و هم به نوعی به مردم شهر! البته اگر از این طنز تلخ بگذریم به چالش‌هایی که به این مافیا جان می‌دهد و از قدرت شهرداری‌ها برای مقابله با آن می‌کاهد، برمی‌خوریم؛ مافیایی که حتی بعد از فروردین ۱۴۰۰ که طرح جامع مدیریت پسماند در شورای شهر تهران تصویب شد نیز از بین نرفت و حتی خم به ابرو نیاورد. پورنیا هنگام بررسی این چالش، به ما توضیح می‌دهد که علت را می‌توان در دو ایراد اساسی جستجو کرد؛ اول ناآگاهی مدیران شهری و نبود افراد متخصص در راس امور و دوم تغییرات و جابه‌جایی‌های مداوم مدیران که مانع عملیاتی شدن برنامه‌ها و مسبب اجرای پیشنهادهای سلیقه‌ای است. از این پیشنهادهای سلیقه‌ای لااقل در تهران کم نبوده است. مثل پیشنهاد درطاق کردن سطل‌های زباله و قفل زدن به آنها یا زیرزمینی کردن مخازن زباله برای اینکه دست زباله گردها به آشغال‌ها نرسد. که البته هیچکدامش نیز عملیاتی نشد اما مافیای زباله در ایران در حالی بر سر یک سفره رنگین نشسته و به شهرداری‌ها نیز چشم‌غره می‌رود که بسیاری از کشورهای جهان با مدیریت درست زباله‌ها موجب افزایش درآمد شهرداری‌ها و رفاه حال مردمان شهرها و روستاها شده‌اند. خوب است این آمارها به نقل از یک کارشناس اقتصادی یادمان باشد؛ اینکه سالانه در جهان حدود دو میلیارد تن زباله شهری و صنعتی تولید می‌شود که ارزش بازار آن از مرحله جمع‌آوری تا بازیافت به ۵۰۰ میلیارد دلار می‌رسد اما ما همچنان به اقتصاد پسماند بی‌توجهیم و میدان را برای مافیا باز می‌گذاریم.

گزارش روز

جدال سدسازان با قانون

ورود «دستگاه قضایی» به امر «صیانت از قانون» می‌تواند ترمز قطار در سرشیبی افتاده برای سدسازی بویژه در ناحیه جنگلی شمال کشور را بکشد

به گزارش پیام آشنا، حنیف رضا گازر- کنشگر محیط زیست و منابع طبیعی در یادداشتی در روزنامه ایران نوشت: «به دیدگاه‌های کارشناسی نه‌اسیب‌های جبران‌ناپذیر وارده بر منابع طبیعی و محیط زیست- نه آوارگی مردم محلی، نه از بین رفتن اراضی کشاورزی و زندگی مردم، نه حاشیه‌نشینی و نه برهم‌خوردن نظام هیدرولوژیک رودخانه‌ها و نه فریادهای مردم، هیچکدام طی سالیان گذشته تا این لحظه کوچکترین اثری در تصمیمات دولتمردان و نمایندگان مجلس برای توقف سدسازی در کشور و اصلاح الگوی مدیریت منابع آب از «مدیریت عرضه» به سمت «مدیریت تقاضا» نداشته است. در این یادداشت بسیار کوتاه به برخی مغایرت‌های «قانونی» تداوم «سدسازی» در کشور، به‌ویژه در استان‌های شمالی می‌پردازم. شاید ورود «دستگاه قضایی» به امر «صیانت از قانون»، ترمز این قطار در سرشیبی افتاده را برای سدسازی بویژه در ناحیه جنگلی شمال کشور بکشد.

روح سرگردان و وهم انگیز سدسازی در استان‌های شمالی با استناد به بند (۲) مصوبه شماره ۲۰۱۴۷ مورخ یک مرداد ۱۳۸۰ هیأت وزیران که می‌گوید «در راستای طرح صیانت از جنگل‌های شمال کشور، صدور تمامی مجوزهایی که به ترتیب به کاهش مساحت جنگل‌های شمال کشور منجر می‌شود، از سوی دستگاه‌ها متوقف و ممنوع است»، مغایرت آشکار دارد. بدین‌ترتیب این مصوبه هیأت دولت به‌روشنی تکلیف سدسازی در نواحی رویشی جنگلی شمال کشور را مشخص کرده است. کارآیی این قانون آنجا مشخص می‌شود که قانونگذار برای «صدور مجوز» بر دو واژه «متوقف» و «ممنوع» تأکید کرده است. این یعنی آن که به طور مشخص و آشکار، از زمان تصویب این قانون، نه‌تنها صدور مجوز جدید برای سدسازی «ممنوع» است بلکه فرایند صدور مجوزهای در حال صدور تا پیش از تصویب این قانون نیز باید «متوقف» شود!

اگر دولت‌ها در مقام تصویب‌کننده این مصوبه و مجری قانون، برای مصوبات قانونی خود ارزشی قائل بودند، از سال ۱۳۸۰ به این سو نباید شاهد تصویب مطالعات و صدور مجوزها برای سدهای کسیلیان، مشی گلوگاه، زلم‌رود، گلوگاه، آزارود، چهارقاگه، نور چمستان، آبون، سجارود و شهدا (دو هزار و سه هزار)، تنها در مازندران و تصویب مطالعات و صدور مجوزها برای سدهای رامیان، سیاه‌جوی و شصت‌کلاته دراستان گلستان و همچنین تصویب مطالعات و صدور مجوزها برای سدهای تنبان، خالصان، خرمن‌گاه، عزیزکیان، لاسکه شوییل، گولک و تکلیم در استان گیلان می‌بودیم. آغاز فاز مطالعاتی دست کم ۲۱ سد در ناحیه رویشی هیرکانی پس از تصویب این قانون از سوی خود دولت‌هایی که در این مدت بر سر کار آمدند، بیانگر آشکار قانون گریزی دولت‌ها در این بخش است.

در تمام سدهایی که در کشور ساخته شده، «قانون افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی و منابع طبیعی»، مصوب ۲۳ تیرماه سال ۱۳۸۹ مجلس شورای اسلامی نادیده انگلاشته شده است. بند (ب) ماده (۱۲) این قانون می‌گوید: «دولت مکلف است در اجرای طرح‌های عمومی، عمرانی و توسعه‌ای خود و نیز اکتشاف و بهره‌برداری از معادن، خسارت‌های وارده به جنگل‌ها و عرصه و اعیانی منابع طبیعی را در محاسبات اقتصادی و برآورد هزینه‌های امکان‌سنجی اجرای طرح منظور و پس از درج در بودجه‌های سنوانی، در قالب موافقتنامه‌های مبادله‌شده با وزارت جهاد کشاورزی برای حفاظت، احیا و بازسازی عرصه‌ها اختصاص دهد. وزارت جهاد کشاورزی مکلف است هزینه‌های احیا و بازسازی و جبران خسارات وارده را حداکثر ظرف سه ماه پس از استعلام دستگاه اجرایی مربوط، تعیین و اعلام کند.»

با توجه به تصریح آشکار قانون بر «محاسبه» و «مطالبه» مجموع خسارت‌های وارده به «جنگل‌ها و عرصه و اعیان منابع طبیعی» و اختصاص آن به امر «حفاظت، احیا و بازسازی عرصه‌ها»، پرسش واضح و مشخص اینجاست که در کدام یک از سدها یا طرح‌های انتقال آب بین حوضه‌ای اجرا شده در سراسر کشور، مجموع خسارت‌های وارد شده به منابع آب و خاک و پوشش گیاهی و زیستگاه حیات وحش بر مبنای ارزش‌های مبادله‌ای و غیر مبادله‌ای ارکان و اجزای محیط زیست و منابع طبیعی بر اساس نص صریح این قانون «محاسبه» و «مطالبه» و سپس برای احیا و «بازسازی عرصه‌ها» هزینه شده است؟

همچنین در تمامی سدهایی که آغاز عملیات اجرایی آنها پس از سال ۱۳۹۸ و همزمان با تصویب «قانون حفاظت از خاک» آغاز شده نیز تخطی از قانون محرز است؛ چرا که ماده (۴) این قانون به‌صراحت می‌گوید «سازمان برنامه و بودجه کشور مکلف است با همکاری وزارت جهاد کشاورزی و سازمان حفاظت محیط زیست، ارزش اقتصادی خاک و هزینه‌های ناشی از آلودگی و تخریب خاک در زیست‌بوم‌های مختلف را در حساب‌های ملی منظور کند.»

با این وصف این پرسش اساسی مطرح است که کدامیک از سدها و طرح‌های انتقال آب بین حوضه‌ای و البته دیگر پروژه‌های عمرانی کشور که از سال ۱۳۹۸ به این سو با پیشنهاد دولت و تصویب مجلس دارای ردیف‌های اختصاصی بودجه شده و فاز مطالعاتی یا اجرایی آنها آغاز شده ضمن تبعیت از اعمال فشار بر دولت‌ها هدف طراحی و احداث سدهای مخزنی و اجرای طرح‌های انتقال آب بین حوضه‌ای از سوی دیگر ضرورت ورود جدی دستگاه قضایی را در این امر بیش از گذشته به گزاره و مطالبه‌ای جدی تبدیل کرده است.

اشاره

«کالسکه‌های عاقبت‌بخیر» را بشناسید

کالسکه برای اربعین لازم دارید؟ کالسکه برای اربعین امانت می‌دهید؟ لطفا اینجا اطلاع دهید.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، کالسکه عاقبت بخیر» عنوان پویشی است که طی چند ساعت در فضای مجازی سر و صدای زیادی کرده است و از کاربران می خواهد اگر در خانه کالسکه‌ای که نیاز فوری به آن ندارند، نگهداری می کنند، کالسکه هایشان را به مدت سه هفته به زائران امانت بدهند تا به نیابت از صاحب کالسکه در مسیر پیاده روی اربعین باشند.

من معتقدم کودکان هم باید از پیاده‌روی اربعین بهره ببرند

مریم عصرازاده که طراح و ایده پرداز این پویش است توضیح می‌دهد: «گروه ما که همگی اعضای آن خانم هستند، مدت هاست به صورت خودجوش در زمینه کارهای خیر فعالیت می کنند. ما فعالیت های خیرخواهانه و طرح های مختلفی را مدیریت می کنیم؛ مثل «آینه شعبون» که حسابی سر و صدا کرد اما طرح «کالسکه عاقبت بخیر» اینگونه در ذهن من جرقه زد که به عنوان یک مادر از سال ۱۳۹۱ توفیق داشتم که با شرایط مختلف به سفر اربعین بردم و پسرم هم از دو ماهگی همسفرم بوده است. من معتقدم که کودکان هم باید از مسیر پرفیض اربعین بهره ببرند و بنده به شدت به حضور خانوادگی در مسیر سخت اربعین معتقد هستم. من و خانواده ام در این سال ها هر طور که بوده با ویلچر یا کالسکه راهی سفر شدیم؛ حتی یک سال پای خودم شکسته بود و با ویلچر این مسیر را طی کردم. با تجربیاتی که در این سال ها داشتم، متوجه شدم که کالسکه یکی از ضروریات برای خانواده های بچه دار است. به هر حال مسیر طولانی است و گرما و سرما بچه ها را خسته می کند و طبیعتا بهتر است بچه ها این مسیر را با کالسکه طی کنند که کمتر احساس خستگی کنند. از طرفی کالسکه وسیله خوبی است که کوله و وسیله‌های سفر هم به آن آویزان شود حتی خیلی از کسانی هم که بچه ندارند کالسکه می خرند که راحت تر وسیله هایشان را حمل کنند؛ در واقع یک وسیله چند منظوره برای زائران محسوب می‌شود.

حلقه وصل زائرین بدون کالسکه و جامانده‌گان کالسکه‌دار

او ادامه می دهد: «خیلی از خانواده ها هستند که فرزندشان کمی بزرگ شده و یا اینکه کالسکه شان مستهلک شده و دیگر قابل استفاده نیست و از طرفی صرفه اقتصادی هم ندارد که به طور مشخص برای یک سفر دوهفته ای یک کالسکه چند میلیونی بخرند. این در حالی است که خودم افراد زیادی را می شناسم که خیلی دوست دارند در این سفر باشند اما شرایطش را ندارند؛ مثلا سفر با کودک برایشان سخت است یا فرزند بیمار دارند به ذهنم رسید یا پویشی با عنوان «کالسکه عاقبت بخیر» این آدم ها به همدیگر وصل شوند و یکدیگر را پیدا کنند. در واقع خواستیم با این پویش حلقه وصل زائرین بدون کالسکه و جامانده‌گان کالسکه دار باشیم.

خانم عصرازاده تاکید می کند: «ما گروه مستقلی هستیم و فضایی نداریم که کالسکه ها را انبار کنیم و صرفا هدفمان در این پویش این است که آدم ها را به هم وصل کنیم. البته در این میان بودند کسانی که تصمیم گرفتند به جای امانت دادن، کالسکه را اهدا کنند ما طرح دیگری هم داریم که در قالب آن به جور «وقف در گردش» می کنیم و برای کسانی که سیسمونی احتیاج دارند، وسیله های مربوط را اهدامی کنیم اما این کمپین صرفا به امانتی بودن کالسکه ها تاکید دارد» او درباره میزان استقبال کاربران از این پویش نیز می گوید: «این طرح را دو روز پیش به طور جدی شروع کردیم و ظرف چند ساعت حدود ۴۰ نفر اعلام آمادگی کردند که در این پویش حضور داشته باشند. البته ایسدوارم تعداد بقیان هر لحظه بیشتر شود و بتواند کالسکه بیشتری راهی این سفر کرد» اگر شما هم دوست دارید کالسکه‌هایتان را در اختیار زوار اربعین قرار دهید به آدرس zamine_sazane_zohoor در صفحه‌اینستاگرام بپرسید.

برش

نخستین ویرایش کتاب گینس

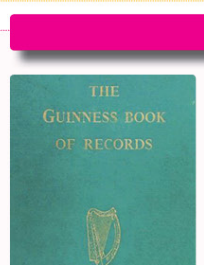

اوت ۱۹۵۵ در چنین روزی نخستین ویرایش از کتاب رکوردهای گینس در انگلیس منتشر شد و بسیار بیشتر از آنچه نشرش انتظار داشت مورد توجه عموم مردم قرار گرفت. از آن پس هر سال ویرایش جدیدی از این کتاب، با تغییراتی در رکوردها و ثبت اسامی و رکوردهای تازه منتشر می‌شود و به روایتی، این کتاب یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های عصر ماست.

به گزارش پیام آشنا به نقل از اعتماد، طبق نوشته‌های سایت هیستوری‌دات‌کام فکر نیاز به کتابی برای ثبت بهترین رکوردها به اوایل همان دهه، به پاییز ۱۹۵۱ برمی‌گردد. هاگ بیرو، مدیر اجرایی شرکت گینس، (که شرکتی قدیمی بود و پیشینه‌اش به اواسط قرن هجدهم میلادی برمی‌گشت) در سفری تفریحی، همراه با گروهی از دوستانش برای شکار به ناحیه‌ای در جنوب شرقی ایرلند رفت. می‌خواستند سهره طلایی شکار کنند اما همگی آنان در این کار ناکام شدند. بعد بین آنان بحثی دوستانه اما پرحرارت درگرفت که سهره طلایی سریع‌ترین پرنده است یا خیر. برخی از آنان می‌گفتند این پرنده از تمام پرندگان دیگر سریع‌تر است و برخی دیگر هم از بالگرد پرهای حنایی نام می‌بردند.

چون بحث به نتیجه‌ای نمی‌رسید، تصمیم گرفتند برای رسیدن به پاسخ به کتاب‌های مرتبط با این موضوع رجوع کنند. اما آنچه را جستجو می‌کردند در هیچ کتابی نیافتند. چون اصلا کسی به این پرسش پاسخ نداده بود. بیرو به این فکر کرد که همیشه در جمع‌های دوستانه ـ بحث‌های اینچنینی هم درمی‌گیرد و کتابی که پاسخ همه پرسش‌های از این جنس را در خود داشته باشد برای حل این اختلافات دوستانه بسیار به کار می‌آید. او به هدف اجرایی کردن فکری که در ایرلند به ذهنش رسیده بود با دو برادر به نام‌های راس و نوریس مک‌وبرتر تماس گرفت و بعد از تشریح ایده، آنان را استخدام کرد. این دو برادر موسسه پژوهشی کوچکی در لندن داشتند و کارشان جمع‌آوری اطلاعات دقیق و مستندات برای روزنامه‌ها و آگهی‌دهندگان بود. بیرو به کمک مک‌وبرتر‌ها کتابی را که در ذهن داشت، تدوین کرد.

ابتدا می‌خواست این کتاب رکوردها را رایگان پخش کند و از آن برای تبلیغ شرکت خودش بهره بگیرد اما در عمل معلوم شد که چقدر به چنین کتابی نیاز بوده و بسیاری از مردم حاضرند برای خرید آن پول پرداخت کنند. بنابراین در چاپ‌های بعدی روی جلد کتاب قیمت گذاشت و از پایین به جای توزیع رایگان، اقدام به فروش آن کرد. کتاب رکوردها به کتابی پرفروش تبدیل شد و تا پایان همان سال (یعنی تا زمستان)، خودش رکورد فروش را شکست و سال بعد در چند کشور دیگر مثل آمریکا هم منتشر شد. موسسه مک‌وبرتر عدمای را به خدمت گرفت و آنان را برای جمع‌آوری اطلاعات بیشتر درباره موضوعات دیگر به کشورهای مختلف فرستاد. از اطلاعات تازه‌ای که جمع‌آوری شده بود، ویرایش دیگری از کتاب تهیه شد و این روند تا به امروز ادامه دارد.

ویرایش سال ۲۰۲۲ کتاب رکوردهای گینس در ۱۰۰ کشور به ۲۳ زبان منتشر شده و بیشتر از ۵۳ هزار رکورد را فهرست کرده است. این هم ناگفته نماند که هاگ بیرو سال ۱۹۶۷ از دنیا رفت اما شرکت تو تا پایان قرن امتیاز کتاب رکوردها را حفظ کرد و بعد این امتیاز را در سال ۲۰۰۱ به یک مجموعه کاتالدی به نام گروه جیم پتیسون فروخت. راس مک‌وبرتر نیز تا اواسط دهه هفتاد میلادی ویراستار این کتاب بود و بعد از قتل او به دست جمهوری‌خواهان ایرلندی برادرش، نوریس، این وظیفه را به عهده گرفت. نوریس نیز سال ۱۹۸۶ از دنیا رفت.

رسانه چه خبر

دو گره تا بازشدن کلاف برجام

همشهری: برخی گمانه‌زنی‌ها حکایت از آن دارد که «مباحث پادمانی» و «تضمین‌ها» همچنان دو گره اصلی برای دستیابی به توافق به شمار می‌رود. در شرایطی که تهران در حال بررسی پاسخ آمریکا به متن پیشنهادی اتحادیه اروپاست و هنوز اخبار موثقی در این زمینه منتشر نشده اما گمانه‌زنی‌ها در محافل رسانه‌ای درباره گره‌های موجود در مذاکرات ادامه دارد و برخی منابع معتقدند در شرایط کنونی مباحث پادمانی و تضمین‌ها دو گره اصلی برای دستیابی به توافق به شمار می‌رود. در روزهای اخیر و پس از ارائه پاسخ از سوی واشنگتن که با تعلل ۱۰ روزه همراه بود، اگر چه دو طرف تلویحا اعلام کرده‌اند مواد اختلافی کاهش یافته و گفت‌وگوها رو به جلو بوده اما به نظر می‌رسد همچنان برخی اختلافات کلیدی باقی است که باید رفع شود. بر همین اساس هم هست که برخی تحلیلگران معتقدند روند رایزنی‌ها به گونه‌ای پیش می‌رود که برگزاری دور جدیدی از مذاکرات را با هدف رفع اختلاف‌های باقیمانده گیریزناپذیر کرده و چشم‌انداز حداقل دو تا سه هفته‌های پیش روی تعیین تکلیف گفت‌وگوها ترسیم کرده است. در چنین شرایطی یک رسانه آمریکایی در گزارشی مدعی شد که آمریکا و ایران همچنان بر سر جزئیات کلیدی یک توافق قریب‌الوقوع برای احیای توافق هسته‌ای با هم اختلاف دارند و ممکن است چند هفته برای حل اختلافات زمان نیاز باشد. «بلومبرگ» در این گزارش به نقل از «مقام‌های مطلع» خبر داده است که موقع بر سر راه توافق برجام همچنان ادامه دارد و تحقیقات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و ضمانت‌های اقتصادی، همچنان محل منازعه طرفین است.

داروی استنشاقی بیماران CF بیمه نیست

مهر: نماینده بنیاد CF ایران گفت: ایسدواریم سازمان بیمه سلامت مشکلات بیماران CF را در شورای عالی بیمه پیگیری کند. محمدرضا مدرسی، با اشاره به اینکه CF شایع‌ترین بیماری ژنتیکی مغلوب در جهان است، افزود: در حال حاضر این گروه از بیماران دارای مشکلاتی هستند که ایسدواریم شورای عالی بیمه بتواند این مشکلات را حل کند. از جمله اینکه تجهیزات مورد استفاده برای استنشاق دارو جز لاینفک زندگی این بیماران بوده و تحت پوشش بیمه نیست؛ لذا انتظار داریم که این مسئله در شورای عالی بیمه توسط بیمه سلامت مطرح شود. وی با بیان اینکه برخی داروها نیاز ضروری بیماران CF بوده و بهتر است توسط بیمه پوشش داده شود، ادامه داد: از سوی دیگر بنیاد بیماری CF در حال تدوین بسته هوم کر و مراقبت در منزل از این بیماران است. انتظار می‌رود که با هدف کاهش هزینه‌های بیماران و مؤسسات درمانی، شورای عالی بیمه این بسته را مورد تأیید قرار دهد. فوق تخصص ریه کودکان، با تاکید بر اینکه CF جز بیماری‌های خاص و صعب العلاج است، اظهار کرد: البته برخی داروها تحت پوشش بیمه قرار دارد، اما ما انتظار داریم داروهایی که عوارض کمتری برای بیماران دارد، نیز تحت پوشش بیمه قرار گیرد.

ابتلا به ام اس در کشورهای شمالی بیشتر است

هلث دی نیوز: مدت‌ها تصور می‌شد که قرار گرفتن در معرض ویتامین D یا کمبود آن بر خطر ابتلا به بیماری MS تأثیر می‌گذارد، زیرا این بیماری بیشتر در مردم کشورهای شمالی تشخیص داده می‌شود. با این حال، تحقیقات جدید نشان می‌دهد که ممکن است دلیل دیگری وجود داشته باشد که مواد ام اس در کشورهای جنوبی کمتر است. مواد تشخیص داده نشده بیشتر در آنجا وجود دارد زیرا در پرداخت هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی ناتوان تر هستند. دکتر «دیسا سایلور» نویسنده این مطالعه از دانشگاه جان هاپکینز، گفت: «با وجود سطوح پایین‌تر هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی، افراد ممکن است دسترسی کمتری به متخصصان مغز و اعصاب داشته باشند که تخصص تشخیص ام‌اس و اسکن‌های MRI لازم برای تشخیص را دارند.» محققان داده‌های مطالعات را برای تعیین نرخ فعلی ام اس در ۲۰۳ کشور و منطقه تجزیه و تحلیل کردند. آنها کشورها را به مناطق جهان و بر اساس سطح درآمد گروه بندی کردند. آنها دریافتند که در کشورهای با درآمد بالا، به طور متوسط از هر ۱۰۰ هزار نفر، ۴۶ نفر مبتلا به ام اس هستند. در حالی که در کشورهای کم درآمد این رقم ۱۰ نفر در هر ۱۰۰ هزار نفر هستند. در کشورهای پردرآمد، سرانه هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی ۲۸۰۵ دلار بود. این رقم در کشورهای کم درآمد به میزان قابل توجهی کمتر بود و به ۴۵ دلار رسید. این تیم همچنین سرانه تولید ناخالص داخلی، سرانه هزینه‌های سلامت جاری، سطح درآمد در دسترس بودن اسکن‌های مغزی برای تشخیص ام‌اس، تعداد سرانه متخصصان مغز و اعصاب و مراقبت‌های بهداشتی همگانی را برای هر یک از مناطق مورد بررسی قرار دادند. محققان دریافتند: هزینه مراقبت‌های بهداشتی و عرض جغرافیایی ارتباط قوی ای با نرخ ابتلا به بیماری ام اس دارد. به ازای افزایش هر یک انحراف معیار استاندارد در هزینه سرانه سلامت، شیوع ام اس در یک کشور ۰۴۹ افزایش یافت. و با افزایش هر یک انحراف معیار در عرض جغرافیایی، شیوع MS در یک کشور ۰۶۵ افزایش یافت. به گفته محققان، سرمایه گذاری بیشتر در مراقبت‌های بهداشتی ممکن است منجر به گزارش قوی‌تر از میزان ام اس شود.